

آموزش ، فرایندی برای پیشرفت و توسعه

محمد علی نائلی

دانشگاه اهواز

چکیده: در جامعه مکتبی ما آموزش و پرورش يك تكليف الهی است و سهم عمده ای را در شکوفایی ساختن استعداد های افراد جامعه بر عهده دارد. تحولات اجتماعی امروز توسط انسانهای تحصیل کرده و عالم هدایت و رهبری می شود و آنان در دگرگونیهای توسعه ای ملتها نقش اساسی دارند. این مهم و چنین رسالتی تا چند دهه اخیر مورد عنایت قرار نگرفته بود، بطوری که نظریه پردازان کلاسیک توسعه، فرایند توسعه یافتگی را با شاخصهای کمی ارزیابی می کردند. بر اثر مطالعات دقیق و تحلیلهای واقع گرایانه، نگرش کارشناسان جهانی توسعه و صاحب نظران اقتصادی در انتخاب شاخصها تغییر کرد و شاخصهای کیفی جایگزین شاخصهای کمی گردید. بدین ترتیب، آموزش و پرورش که منبع اساسی برای احراز تواناییهای اکتسابی است، جایگاه رفیع خود را در فرایند توسعه آشکار ساخت. تا جایی که مطابق نظریه ها و یافته های پژوهشی جدید، سرمایه گذاری در آموزش و پرورش بسیار پرسود و نرخ برگشت سرمایه در آن بویژه برای جوامع در حال توسعه قابل توجه است.

مقدمه:

نیست و تحصیل آن بر هر مسلمان واجب است- طلبُ

العلم قریضۃ علی کُلِّ مسلم.

دانشمندان علوم تربیتی و مریبان بزرگی چون جان لاک، ژان ژاک روسو، امانوئل کانت، هانری پستالوزی، جان دیویی، ماریا مونته سوری و آلفرد نورث وایت هد، هر يك با آرا و افکار تربیتی خود چون چشمه زاینده تمدن بشری را آبیاری نموده اند. اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز به عنوان حقی، آموزش و پرورش را بر همگان

آیه شریفه «قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» - بگو پروردگارا بر مراتب دانش و بینش من بیفزای، «خطاب بر پیامبر مرسلین، به عنوان راهنمای ابدی و تکلیف الهی برای قدم گذاشتن به دنیای آموختنیها و تحصیل دانش و کسب مهارتهاست. علم و دانش حد و مرزی ندارد و مقید به جنس، نژاد، و قومیت نیست، سن و سال نمی شناسد، آغازی دارد ولی فرجامی بر آن متصور

پذیرفته ، بحث از ۳۲٪ بی سواد در جامعه مردان و ۴۰٪ بی سواد در جامعه زنان به میان می آورد.

با این تفاسیر چنین ارقامی با غرور ملی و اعتقادات مکتبی ما در تضاد است. در حالی که در کشورهای چون سوئیس ، سوئد، نروژ، شوروی، ژاپن و ... صحبت از ریشه کن شدن بی سواد است، چنین واقعیهایی برای ما دست اندرکاران تعلیم و تربیت بسیار تلخ و موجب سرافکنندگی است. سرزمینی که یکی از گاهواره های تمدن جهانی بوده و آب و خاکی که دهها و صدها تن از بزرگانی چون سعدی و حافظ را در خود پرورانده، چگونه می تواند امروز ، در حالی که تازه به دوران رسیده ها از آفرینش عصر ارتباطات و انفورماتیک فوق مدرن صحبت می کنند، درصد بیسوادان خود را فهرست کند؟! مگر اینان فرزندان جاودانه مردانی چون فردوسی نیستند که هزار سال قبل یعنی پنج قرن پیش از آنکه سارتین لوتر، جمله معروف « ترقی و عظمت و سعادت هر مملکت، نه به ازدیاد عواید و استحکام قلاع آن است و نه مربوط به زیبایی بناها و عمارات آن. مردمان تربیت شده و فاضل و متعهد هر مملکتند که قوه و قدرت حقیقی و عظمت واقعی آن را تشکیل می دهند(پروند ۱۳۵۲)» خود را عنوان نماید، فرمود:

توانا بود هر که دانا بود

ز دانش دل پیر برنا بود

خوشبختانه در حال حاضر قدمهایی، ولی نه چندان بلند در زدودن چنین ننگ اجتماعی ای از دامن این جامعه کهن برداشته می شود. برای تداوم نهضت آغاز شده و شتاب بخشیدن به آن، بسیج ملی و حرکت عمومی برنامه ریزی شده ای مورد انتظار است که بر پایه ایمان راسخ و جنبش مردمی هر مانعی را پشت سر

لازم دانسته است. بنابراین به عنوان يك حجت الهی و کرامت کبریایی و راهنمای بشریت، خداوند علم و دانش را بر انسان ارزانی می دارد و می فرماید: اِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ - خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ - اِقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ - الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ - ای پیامبر! به نام پروردگارت خواندن را آغاز کن - پروردگاری که آفریننده است - انسان را از خون بسته و لخته شده آفرید - بخوان ای پیامبر! و پروردگار تو کرامتش نامحدود است، از آنچه که با خامه و قلم، بشریت را با علم و دانش آشنا ساخت (سوره علق آیه های ۱-۴).

امروز صحبت از انسان کیفی است، کیفیتی که مبتنی بر قدرت تفکر و خلاقیت اوست. چنین فضیلتی بر اساس کسب آگاهی و تحصیل دانش حاصل می شود و این يك عطیه خداوندی است. در سوره زمر، آیه ۹ می فرماید: هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ أَلَمْ نَكُنْ أُولَ الْأَلْبَابِ - آیا آنان که با سلاح علم مجهزند و افرادی که با جهل و نادانی دست به گریبانند با هم برابرند؟ در جای دیگر اشاره بر آن است که در جمع بندگان الهی، صرفا دانشمندانند که خدا شناس واقعی اند و از او بیمناکند - اِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ (سوره فاطر، آیه ۲۵).

با وجود استواری بنیاد اعتقادی، بر اساس تأثیرات حکومتهای استبدادی و سیاستگذاری بر پایه منافع طبقاتی، امروز در این جامعه کهن هنوز صحبت از بی سواد قشرها به میان می آید و در يك گزارش رسمی در کنفرانس «اعلامیه جهانی آموزش و پرورش برای همه» (اسفند ماه ۱۳۶۸، جامتین، تایلند) رئیس هیئت نمایندگی کشورمان، ضمن آشکار ساختن موفقیتهایی که در سالهای اخیر در زمینه کاهش بی سواد صورت

عمل یا پراگماتیسم است که اساس اندیشه متفکر بزرگ قرن، جان دیویی (۱۹۵۲-۱۸۵۹) را تشکیل می دهد. دیویی آموزش و پرورش را ابزاری جهت برآورده ساختن هدفهای زندگی در نظر می آورد و مشکلات آموزشی زمان را منسوب به فاصله ای می داند که بین دانش و چگونگی کاربرد آن موجود است. وی آموزشی را موفقیت آمیز تلقی می کند که با علم و عمل توأم باشد. دیویی هدفهای آموزشی را با پی آمدهای فعالیتهایی که از یادگیرنده می توان انتظار داشت، مرتبط می سازد و بنابر عقیده وی در صورتی هدفهای آموزشی با اعتبارند که بتوانند فعالیتهای روزمره را توجیه کنند. در مکتب تربیتی دیویی آزادی در انتخاب هدف، برای یادگیرنده بسیار مهم است و اگر هدفهای آموزشی بر یادگیرنده تحمیل شود:

۱- موجب ناکامی یادگیرنده از به کار گرفتن هوش و حس پیش بینی می شود، یا به عبارتی مانع می شود که وی به تنظیم فعالیتها بپردازد تا به نتایج مورد علاقه اش برسد.

۲- هدفهایی که تحمیل شوند، از انعطاف پذیری لازم باز می مانند.

دیویی بعد اکتشافی آموزش و پرورش را مورد تأکید قرار می دهد و معتقد است اگر آموزش و پرورش هدفهای خود را از پیش بینی های بنیادهایی چون سیاست کسب کند، رسالت خود را در ورزیده ساختن هوش و حس پیش بینی که اساس تشکیل غایبات است، انجام نداده است. دیویی آموزش و پرورش را فرایندی برای رشد و توسعه ظرفیتهای انسانی می داند که خود پایه و اساسی برای توسعه جوامع است. او انسان را مستعد، هوشمند و با کفایت

گذارد. در این مقاله کوشش شده است با استناد به آرا و عقاید متفکران و نظریه پردازان توسعه و یافته های پژوهش، اهمیت آموزش در اعتلای زندگی افراد و توسعه جوامع، به خواننده یادآوری شود.

گستره یا طیف آموزش

طبیعت معلم اول ما است و الفبای زندگی را از آن می آموزیم. سپس پای مادر و سایر افراد خانواده به تربیت ما کشیده می شود و فرایندی که بر پایه رابطه متقابل خانواده و طفل دور می زند، به جامعه پذیری وی کمک می کند. ولی امر آموزش و پرورش طیف گسترده ای را تشکیل می دهد که به صورت آموزش رسمی و یا آموزش غیر رسمی، در اختیار قرار می گیرد. آموزش رسمی از کودکستان آغاز می شود و تا آموزش عالی ادامه می یابد و دارای سازمان و ساختار مشخصی است که بر پایه اصول و قواعدی شکل می گیرد و از یک نظام سلسله مراتبی تبعیت می کند. بیشتر متفکران تعلیم و تربیت به این مرحله از آموزش و پرورش تأکید داشته و در رابطه با فلسفه، محتوا و برنامه ریزی آن به بحث پرداخته اند. تحلیل دیدگاه این متفکران به طور عالمانه، در این مختصر نمی گنجد. تنها به یکی از دیدگاهها که در تحول دنیای امروز و پیشرفت تکنولوژی تأثیر مستقیم داشته است اشاره می کنیم.

پراگماتیسم، بنیادی برای تحولات

قرن

بدون تردید، پایه های عصر فوق مدرن ارتباطات- انفورماتیک امروز ما نشأت گرفته از مکتب اصالت

و پرورش به صورت يك متغیر مستقل شکل می گیرد و به موازات افزایش تفاوت‌های ساختاری در جامعه ، در هیئت نهاد شبه مستقلی خودنمایی می کند. در این حالت است که می تواند به فرایند توسعه سرعت و شتاب بخشد و در ضمن این توانایی را نیز دارد که در پیشرفت آن ایجاد مانع کند (پ. فاستر، ۱۹۸۷). اگر بخواهیم تعریف قانع کننده ای از توسعه داشته باشیم، باید آن را تغییر و تطور اجتماعی آگاهانه ای بدانیم که با دخالت انسان تحقق می یابد. یا به بیان دیگر، در فرایند توسعه انسان عنصر محوری است و نقش مسئولانه ای را ایفا می کند. برخلاف اقتصاد دانان کلاسیک که پیشرفت‌های اجتماعی را با معیارهای مقداری مورد توجه قرار می- دهند، امروزه مفهوم «توسعه» که خصلت کیفی دارد، معیار پیشرفت تلقی می شود.

از این دیدگاه علمی، رشد مقداری کالا و خدمات در هر جامعه که در راستای نابودی پدیده های نامطلوب اجتماعی (نظیر بیکاری بی سواد، اعتیاد، بزهکاری، فقر، محرومیت و ...) هدایت شود ، و شرایط لازم و مطلوب زیستی، روانی و اجتماعی «نوع انسان» را فراهم آورده و تکامل کیفی نیروی انسانی را ثمر دهد، به مثابه تحقق فرایند بفرنج «توسعه» قلمداد می شود. از این رو شاخص توسعه یافتگی (یا عقب ماندگی) جوامع بر پایه «شاخص انسانی» تحکیم می یابد (دکتر سیاوش گلابی، ۱۳۶۹، صفحه ۳۷-۳۶).

شاخصهای توسعه

برای سنجش و ارزیابی درجه توسعه یافتگی هر جامعه ، لازم است ویژگیهای کیفی را به معیارهای

برای مقابله با دنیایی که بسیار ناپایدار است، می- پندارد. به اعتقاد وی عالم وجود به جریان خود ادامه می دهد و برای وقایع همیشگی و جاودان طبیعت نه تنها نمی توان فرمولهای دقیقی ساخت ، بلکه کوشش در این راه نیز بی فایده است. پس انسان باید خود مسیر زندگی خویش را تعیین کند. تنها توسل به آموزش و روشهای تجربی است که می تواند مسائل زندگی را حل کند و اجتماع مورد علاقه اش را بسازد (جان س. برویاخر، ۱۳۵۵).

فرایند توسعه

دو واژه «رشد» و «توسعه» به طور متداول به جای یکدیگر مورد استفاده قرار می گیرد. اما کارشناسان توسعه بین این دو مفهوم اختلاف قائلند. آر.آ. فلامانو، از کارشناسانی است که می نویسد ممکن است در فرایند رشد، تغییر و تطور عمده ای در عوامل دروندادی یا در نهادهای موجود حاصل نشود، در حالی که در فرایند توسعه نوآوریهای مد نظر است که تکنولوژیهای جدید و آمیخته هایی از دروندادها و بروندادهای جدید به همراه دارد (آر.آ. فلامانو ۱۹۷۹). از دیدگاه جامعه شناختی، در فرایند توسعه تغییرات اجتماعی و ساختاری عمده ای حادث می گردد و موجب تغییر و تطور در بخشهایی می شود که با کل اقتصاد يك جامعه ارتباط پیرامونی دارند. از جمله، دامنه تطور به نهادهای آموزشی رسمی یا غیر رسمی نیز کشیده می شود. در فرایند توسعه، نهادهای آموزشی علاوه بر انجام وظایف و کارکردهای سنتی خود، عهده دار گزینش و هدایت افراد جامعه برای تصدی نقشهای اقتصادی گوناگون در ساختار اجتماعی می شوند. در فرایند تغییر و تطور اجتماعی، آموزش

است (دکتر سیاوش گلابی ۱۳۶۹).

سهم آموزش در فرایند توسعه

آموزش به عنوان يك عامل اصلی در فرایند توسعه مطرح است. اقتصاد دانان و کارشناسان توسعه امروز اذعان دارند که رشد اقتصادی به تنهایی نمایانگر حرکت صحیح در جهت اهداف توسعه نیست. تولید دانش و مهارت‌های به وجود آمده در دانش آموختگان اگر چه بازده ظاهری فرایند آموزش است، مع هذا این فرایند بازده های دیگری نیز دارد که به خوبی شناخته نشده است. شکل گیری و تحول ارزشها و رفتارهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی متأثر از آن، از جمله نگرشهای انتقادی، ایجاد علاقه در کار، بهبود کیفیت زندگی، کسب موفقیتهای اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت و به طور کلی اعتلای زندگی انسان در دراز مدت، حاصل فرایند آموزش و پرورش است. هر چند اقتصاددانان بزرگی چون آدام اسمیت متجاوز از دو قرن پیش معتقد بود که آموزش و پرورش در افزایش تولید کارگران موثر است و درست مثل ماشینهای جدید یا سایر ابزارهای سرمایه ای، نرخ بهره وری را افزایش می دهد (آدام اسمیت، ثروت ملل، ۱۷۷۶)، اما عملاً تا اوایل دهه ۱۹۶۰، در مغرب زمین سرمایه گذاری در آموزش و پرورش، نوعی سرمایه گذاری مصرفی تلقی می شد. حتی بانک جهانی نیز از اعطای اعتبار برای سرمایه گذاریهای آموزشی امتناع می ورزید. تا این زمان در نوشتار دانشمندان اقتصاد، واژه «اقتصاد آموزش و پرورش» به چشم نمی خورد؛ به جز پژوهشگرانی چون استروملین (۱۹۲۴) و والش (۱۹۳۵) که در توجه به سرمایه گذاری در انسان پیش قدم بودند.

کمی تبدیل کنیم که به چنین معیارهایی شاخصهای توسعه می گویند. شاخصهای توسعه می تواند وضعیت يك جامعه را تشریح و روند تغییرات آن را با جوامع دیگر مقایسه کند. همچنین به کمک شاخصها، مسائل و مشکلات توسعه ای يك جامعه تعیین می شود و پیش بینی های لازم برای برنامه ریزیهای مقتضی به عمل می آید.

تا این اواخر، تولید ناخالص ملی، کاربردی ترین شاخص توسعه ای به شمار می آمد. این شاخص عبارت از ارزش کل کالاها و خدمات تولید شده سالانه در هر کشور است. سهم مساوی هر يك از شهروندان از تولید ناخالص ملی را، تولید ناخالص سرانه می نامند (مشاوران یونسکو، ۱۳۶۹). پروفیسور عبدالسلام از این شاخص در تعیین توسعه یافتگی کشورها استفاده کرده است. وی تولید ناخالص ملی کشورهای در حال توسعه را در سال ۱۹۸۸، ۷۳۹ دلار برآورد نموده و رقمی معادل ۹۷۹۵ دلار را برای کشورهای صنعتی محاسبه می-کند (پروفیسور عبدالسلام، ۱۳۶۹).

امروزه مسلم شده است که عوامل کمی و مقداری، نظیر تولید ناخالص ملی نمی توانند پدیده های پیچیده اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فنی و علمی جوامع را که خصلت سیستمی دارند، تبیین و تفسیر کنند. از این رو وقتی «درجه توسعه یافتگی انسان» در جوامع مطرح باشد، به عواملی چون طول عمر، میزان در آمد و سطح تحصیلات و دانش افراد توجه می شود. میانگین این سه عامل به عنوان يك شاخص جدید در ارزیابی میزان توسعه یافتگی کشورها مورد توجه قرار گرفته و در سال ۱۹۹۰ در برنامه های توسعه ای سازمان ملل متحد نیز مد نظر بوده

اصلی برای توانایی های اکتسابی محسوب می شود. به نظر او بخش اعظم سرمایه فیزیکی، ثمره دانش انسان است، مثلاً پیشرفتهای علمی است که کامپیوتر و ارتباطات مدرن را به ارمغان آورده و یا بهره وری پذیر گندم را بالا برده است. با مسلم دانستن تأثیرات آموزش و پرورش در فعالیتهای اقتصادی، شولتز اظهار می دارد که در حال حاضر کاملاً مسجل شده است که کسب توانایی ها و پیشرفتهای علمی، در اساس قسمتی از سرمایه گذاریهای سنجیده و آگاهانه است. این دانشمند بخش اعظم ازدیاد درآمدهای ملی را با سرمایه گذاری انسانی مرتبط می داند و آن را سرمایه گذاری بلند مدت تصور می کند (شولتز، ۱۹۸۷).

یان تین برگین کارشناس بزرگ برنامه ریزیهای توسعه ای نیز سرمایه گذاری انسانی را طولانی ترین فرایند تولید می پندارد، مثلاً می نویسد که بیست سال وقت لازم است تا يك کارگر ماهر تربیت شود (پیتر بائر و دیگران، ۱۳۶۸). تین برگین، آموزش و پرورش را به ویژه از نقطه نظر اقتصادی يك فرایند تولید تصور می کند. از آنجا که تحلیل درونداد-برونداد به عنوان ابزاری در علم اقتصاد، فرایند های تولید را در قالب ارقام نشان داده و مشخص می سازد که برای تولید هر کالا چه میزان مواد باید به کار رود، از این رو وی معتقد است که تحلیل درونداد-برونداد را در آموزش و پرورش نیز می توان به کار بست. در ضمن، تین برگین با ذکر مثالی - در حدود سال ۱۹۸۰، بیش از پنجاه درصد از ۵۰۰ مدیر ارشد مجله فورچین را فارغ التحصیلان دانشکده های مدیریت بازرگانی تشکیل می دادند و هر يك از آنان از بین ۵۰۰ داوطلب (با تحصیلات دانشگاهی)

استروملین نخستین بررسی کلاسیک در زمینه نقش آموزش و پرورش در توسعه را در اتحاد جماهیر شوروی به مرحله اجرا درآورد. تجربیات وی را می توان به عنوان يك الگوی کاربردی مطرح ساخت. او در مطالعات خود، میزان دستمزد و بهره وری گروههای کارگری و کارمندی را با در نظر گرفتن شاخصهای تحصیلات، سن، تجربه شغلی و صلاحیت فنی مد نظر قرار داد. استروملین از پژوهش خود چنین نتیجه گرفت که تحصیلات ابتدایی بیشتر از آموزشهای ضمن خدمت دراز مدت برای کارگران و کارمندان سودمند است. از برآورد وی چنین بر می آید که کارگری که يك سال در تحصیلات ابتدایی سرگرم باشد، بهره وری او ۳۰٪ افزایش می یابد، در حالی که افزایش بهره وری برای کارگر بی سوادى که يك سال آموزش ضمن خدمت دیده باشد در حد ۱۶٪-۱۲٪ است (امیری، ۱۳۶۸).

در پایان دهه ۱۹۵۰، در نوشتار رشد اقتصادی «معمای آشکاری» به چشم می خورد که خود فعالیتهای علمی گسترده ای را که بنیادی برای شکل گیری رشته اقتصاد آموزش و پرورش است، فراهم نمود. در تحلیلهای رشد اقتصادی، عوامل سنتی تولید، یعنی زمین، کار، و سرمایه فیزیکی نمی توانست علت سرعتی را که در اقتصاد به وجود آمده بود، توجیه کند. شولتز، (۱۹۶۱) و پژوهشگران دیگری پیشنهاد کردند که «سرمایه انسانی» را که متمایز از عوامل سنتی تولید (زمین، کار، و سرمایه فیزیکی) است باید به معادله اضافه کرد (جورج ساخارا پولوس، ۱۹۸۷).

شولتز، اقتصاد دان آمریکایی، اعتبارات آموزشی را صورتی از سرمایه گذاری به حساب آورد. او می نویسد کیفیت انسان متأثر از داده های ارثی و توانایی های اکتسابی است و آموزش و پرورش منبع

چنین استنباط می شود که : الف- نرخ برگشت سرمایه در رابطه با تحصیلات ابتدایی بیشتر از همه سطوح آموزشی است ب- به ویژه در ارتباط با تحصیلات عالی نرخ برگشت سرمایه برای افراد بیشتر است تا برای اجتماع ج- در هر صورت نرخ برگشت سرمایه در رابطه با همه سطوح تحصیلی خیلی بیشتر از ده درصد است د- برگشت سرمایه در رابطه با آموزش و پرورش، در کشورهای در حال توسعه خیلی بیشتر از نرخ برگشت برای کشورهای توسعه یافته است (م. وودهال ، ۱۹۸۷). از بررسیهای ساختارپولوس کاملا پیداست که سرمایه گذاری چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی از پرسودترین سرمایه گذاریهاست.

با نگاه اجمالی به آمار ۱۹۸۳ برنامه عمران ملل متحد، واقعیت تکان دهنده ای ما را تحت تأثیر قرار می دهد: يك چهارم جمعیت کره زمین، یعنی جمعیتی متجاوز از يك میلیارد نفر پیشرفته به حساب می آیند. چنین جمعیتی - مساحت زمین را در اشغال خود داشته، ۸۰٪ منابع طبیعی زمین را در اختیار دارند. بقیه که جمعیتی متجاوز از سه میلیارد و پانصد هزار نفر را تشکیل می دهند، در - باقی مانده کره زمین زندگی می کنند و تنها بر ۲۰٪ از منابع جهان مسلطند. این تفاوت را چگونه می توان توجیه کرد؟

با زمینه قرار دادن بحثی که گذشت، پروفیسور عبدالسلام که خود زاده يك کشور جهان سوم است کارشناسانه آن را تبیین می کند. چیزی که کشورهای پیشرفته را از کشورهای در حال توسعه متمایز می سازد، تسلط در علم و تکنولوژی جدید و استفاده در حال افزایشی که در اقتصاد و سلطه بین ملتهای فقیر و غنی به چشم می خورد، به شکاف موجود در علم و

انتخاب شده بودند- در تحلیل درونداد- برونداد آموزش و پرورش، توجه به بعد کیفی در فرایند تولید را بسیار مهم می شمارد و خصوصیات شخصیتی دانش آموزان و دانشجویان را بخشی از فرایند به حساب می آورد. او همچنین به تأثیرات محیطی اهمیت می دهد (پان تین برگین ۱۹۸۷).

در دهه ۱۹۷۰، گری بیکر کتابی با نام «سرمایه انسانی» به رشته تحریر درآورد. در این کتاب بیکر به تئوری شکل گیری سرمایه انسانی می پردازد و نرخ برگشت سرمایه را در رابطه با آموزش و پرورش و دوره های تربیتی تحلیل می کند. از این به بعد است که مفهوم «سرمایه انسانی»، اقتصاد آموزش و پرورش را به شدت تحت تأثیر قرار داده و اهمیت خود را در تحلیل بازار کار، تعیین دستمزد، تحلیلهای رشد اقتصادی، هزینه های درمانی، و بررسیهای مربوط به مهاجرت، آشکار ساخته است.

وودهال یکی دیگر از صاحب نظران، استدلال می کند که سرمایه گذاری در انسان هم به نفع فرد و هم به سود جامعه است. برای فرد فرصت های استخدامی مطلوب و درآمد مادام العمر مناسب به ارمغان می آورد. هزینه های تحصیلی نیز از محل درآمدهای سطح بالایی که نصیب وی می شود، به آسانی قابل جبران است. جامعه نیز با به کارگیری افراد تحصیل کرده به پیشبرد بهره وری در نهادهای خود توفیق حاصل می کند. او می نویسد، ساختارپولوس نرخ برگشت سرمایه در آموزش و پرورش را تحلیل کرده و اخیرا نیز بررسی خود را در رابطه با برگشت سرمایه از طریق تحلیل هزینه- فایده در آموزش و پرورش، در يك بعد وسیع- در ۴۴ کشور- مورد تجدید نظر قرار داده است. از نتایج یافته ها

نظامی ای. ما فقط يك منبع در اختیار داریم: ظرفیت ابداع مغزهایمان. این منبع پایان ناپذیر است. باید آن را بسط داد، تربیت کرد، تمرین داد، مجهز ساخت. این قدرت دماغی خواه ناخواه در آینده نزدیک، گرانبهارترین و خلاقترین ثروت مشترك همه بشریت خواهد شد (شرایب، ۱۳۶۳).»

منابع

الف. منابع فارسی:

- ۱- اعلامیه جهانی آموزش و پرورش برای همه، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال ششم، شماره ۱، بهار ۱۳۶۹
- ۲- امیری، محمد علی، نقش اساسی آموزش و پرورش در بازسازی و نوسازی ایران، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال پنجم، شماره ۲، ۱۳۶۸.
- ۳- امین فر، مرتضی، چشم انداز اقتصاد آموزش و پرورش، تازه های اقتصاد، سال اول، شماره ۷، اسفند ۱۳۶۸.
- ۴- بائر، پیتر، و دیگران، پیشگامان توسعه، ترجمه دکتر سید علی اصغر هدایتی و علی یاسری، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، ۱۳۶۸.
- ۵- بروباخر، جان س. در مریبان بزرگ، ژان شاتو، ترجمه دکتر غلامحسین شکوهی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۵.
- ۶- پروند، دکتر محمد حسن، مقام و موقعیت معلم در جریان یادگیری پایدار، نشریه دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران، شماره ۲، سال ۱۳۵۲.
- ۷- حجتی، دکتر سید محمد باقر، آداب تعلیم در اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹.

تکنولوژی مربوط می شود (پروفسور عبدالسلام، ۱۳۶۹).

نظر به اینکه تکنولوژی شتابان بسیاری از مهارتهای یاد گرفته شده روز را در کوتاه مدت منسوخ می کند، آموزشهایی را که با نامهای ضمن خدمت، بازآموزی، آموزش بزرگسالی، آموزش سازمانی و مانند آن عنوان می شود، از سوی کارشناسان تربیتی يك فرایند ضروری برای انسان عصر ما تلقی می شود. آهنگ تحول در حدی است که در آخرین دهه قرن حاضر، در پاره ای از کشورهای پیشرفته صنعتی، لازمه احراز سه چهارم از مشاغل در آن کشورها داشتن آموزشهای عالی است و مبالغی که برای آموزشهای غیر رسمی و ضمن خدمت کارکنان هزینه می شود، معادل دو برابر هزینه های آموزشهای عالی رسمی است (طوسی، ۱۳۶۹).

با بیان اینکه «برابر اعلامیه جهانی آموزش و پرورش برای همه» آموزش و پرورش می تواند دنیایی سالمتر، شادابتر، و نیکوتر بسازد و در عین حال موجبات تفاهم، همکاری بین المللی، پیشرفت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را فراهم آورد، و آموزش و پرورش یکی از عوامل کلیدی، برای رشد اشخاص و اجتماع است و با عنوان ساختن اینکه بر خلاف تصور بعضیها، نارسایی های حاکم بر جوامع و اختلافات ایدئولوژیکی، اجتماعی، فرهنگی، تضادها، دشمنیها و کاستیها نه تنها حاصل گسترش علم و تکنولوژی و فرایند آموزش و پرورش نیست، بلکه متأثر از ضعف و نارسایی های آموزشی عصر ماست، این مقاله را با اظهار نظر توشیودوکو، یکی از رهبران صنایع ژاپن به پایان می بریم:

«ما نه هیچ منبع طبیعی ای داریم و نه هیچ قدرت

ب. منابع انگلیسی:

- ۸- شرایبر، ژان ژاک سروان، تکاپوی جهانی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، نشر نو، ۱۳۶۲.
- ۹- شولتز، تنودور، سرمایه گذاری در مردم، ترجمه سعید قاسمیان و سید جعفر سجادی، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال پنجم، شماره ۴، ۱۳۶۸.
- ۱۰- صبح خیز، دکتر ناصر، نقش نظام آموزشی در تأمین نیروی انسانی ماهر، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال اول، شماره ۳ و ۲، ۱۳۶۴.
- ۱۱- طوسی، دکتر محمد علی، آموزش و پرورش منابع انسانی ضرورت مدیریت امروز و فردا، مدیریت دولتی، مرکز آموزش مدیریت دولتی، شماره ۹، ۱۳۶۹.
- ۱۲- عبدالسلام، پروفیسور، مقدمه ای بر آموزش علوم و تکنولوژی در توسعه جنوب، انتشارات دفتر همکاریهای علمی و بین المللی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۹.
- ۱۳- قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۹.
- ۱۴- گلابی، دکتر سیاوش، نگرشی بر فرآیند توسعه جامعه ایران، تازه های اقتصاد، شماره ۱۴، بهمن ۱۳۶۹.
- ۱۵- مشاوران یونسکو، فرآیند برنامه ریزی آموزشی، ترجمه دکتر فریده مشایخ، انتشارات مدرسه، ۱۳۶۹.
- 1- Flammang, R.A., *Economic Growth and Economic Development: Counterpart or Competitors?* Economic Development and Cultural Change, No.28, 1979.
- 2- Foster, P. *The Contribution of Education to Development*, in Economics of Education, George Psacharopoulos, ed., Pergamon Press, 1987.
- 3- Psacharopoulos, George, ed., *Economics of Education: research and Studies*, Pergamon Press, 1987.
- 4- Schultz, T.W., *Education and Population Quality*, in Economics of Education, Psacharopoulos, ed., Pergamon Press, 1978.
- 5- Tinbergen, J., *Input- Output Analysis in Education*, in Economics of Education, Psacharopoulos, ed., Pergamon Press, 1987.
- 6- Woodhall, M., *Human Capital*, in Economics of Education, Psacharopoulos, ed., Pergamon Press, 1987.